



حرف‌اول

مدیرمسئول

نظام ولایی اسلام

(۱)

جهان دیر یا زود حقانیت و عظمت نظام ولایی اسلام را باور خواهد کرد. هنوز درک این حقیقت برای جهان سخت است که حکومت اسلامی با محوریت ولایت بی‌بدیل الهی و قیام بی‌نظیر ولی امر مسلمین، بتواند به اداره جهان و انسان بپردازد؛ اما در باور اعتقادی - سیاسی ما، تحقق این پدیده برای خداوند و اولیاء او آسان، نزدیک و قطعی است.

در گستره تاریخ و از آغاز پیدایش و تأسیس دولت‌ها، حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی حاکم بر ملت‌ها و امت‌ها، تا پایان تاریخ، به جرأت می‌توان گفت بشریت، در میان نظام‌های حاکم، هیچ نظامی را شایسته‌تر و برجسته‌تر و کارآمدتر از نظام الهی - ولایی سراغ نخواهد داشت. نظام الهی - ولایی به اشکال گوناگون در عرصه حاکمیت سیاسی ظهور و بروز یافته است؛ زمانی طلایه‌دار این نظام پیامبری از پیامبران الهی بوده است و در دوره دیگر، این مسئولیت خطیر به امامی از ائمه هدی علیهم‌السلام سپرده شده است. در عصر غیبت نیز تصدی این امر مهم به دست باکفایت نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه، یعنی ولی فقیه زمان واگذار گردیده است. این اشکال سه‌گانه از حاکمیت ولایی، همه صورت‌های یک حقیقت و در امتداد یک جریان الهی به شمار می‌روند که سرسلسله جنبان این جریان کسی جز خداوند نیست؛ خداوندی که حکومت، مختص ذات اقدس اوست و بدون اذن او کسی را لیاقت و شایستگی حکومت کردن بر مردم نیست. هرچه باشد این تصویر از حکومت الهی - ولایی در طول تاریخ چندین مرتبه به منصفه ظهور رسیده و تجربه عملی آن در سطور زرین تاریخ ثبت گردیده است و بخش‌های عظیمی از انسان‌ها سایه حضور نورانی آن را بر سر خود احساس کرده‌اند. علاوه بر آن، حاکمیت الهی - ولایی، آثار سودمند و ارزشمندی را در برخی از جوامع بشری بر جای گذاشته است و با ظهورش تحقق آرمان‌های الهی را نوید داده است.

(۲)

از ویژگی‌های برجسته حاکمیت الهی می‌توان به وصف ولایی بودن آن اشاره کرد. مفهوم ولایی بودن حاکمیت این است که از هیچ مقام و منصبی جز خداوند دستور نمی‌گیرد و فرمانبردار هیچ حاکمی جز خداوند نیست. از دیگر ویژگی‌های برجسته نظام الهی - ولایی این است که بر الگوی تک‌رهبری و مدیریت و زعامت منسجم تأکید می‌ورزد؛ رهبر عادل و پرهیزکاری که ضمن دارا بودن تمامی شرایط کافی و لازم برای امامت و رهبری، در نگرش اسلامی از جانب خداوند برای امر زعامت و ولایت منصوب گردیده و شایستگی مقام جانشینی وی بر روی زمین را احراز کرده است.

(۳)

براساس آموزه‌های اسلامی، مقام امامت و ولایت به هر کسی که خداوند صلاح بداند و مقدر فرماید واگذار می‌شود، چرا که حق ولایت، حق مختص الهی است. خداوند از میان بندگان خود

کسانی را به حسب صفات و شرایط ویژه برگزیده و آنان را برای تصدی این امر مهم تربیت فرموده است. مقام ولایت ولی امر مسلمین دایرمدار وجود ویژگی‌ها، صفات و شرایط ولایت در وجود شخص ولی می‌باشد. تا وقتی این مجموعه از صفات و شرایط محرز باشد، مقام ولایت به قوت خود باقی است. در مورد معصومین علیهم‌السلام، به دلیل وجود عصمت، امر ولایت آنان مادام‌العمر است. در خصوص کسانی که به عنوان ولی فقیه، به نصب عام آن بزرگواران متصدی امر ولایت می‌باشند، وجود و دوام این امر به وجود و دوام شرایط و ویژگی‌های مورد نظر بستگی دارد. بدین ترتیب، حاکمیت ولایت با در نظر گرفتن حضور ولی امر مسلمین نمی‌تواند و نباید دوره‌ای باشد. در غیر این صورت شأن و مقام ولایت را در حد شأن و مقام یک رئیس‌جمهور پایین آورده‌ایم. از طرفی، چون سایه خداوند بر سر نظام الهی گسترده شده و در واقع او حاکم اصلی و حقیقی بر چنین نظامی است و هم او اراده فرموده که ولی و نماینده‌اش از جانب او بر مردم حکمرانی کند، اولویت با قیام و حضور رهبر یگانه‌ای است که شرایط کافی و لازم را برای این مقام دارا باشد و دیگر توجیهی برای اولویت بخشیدن به رهبری شورایی باقی نمی‌ماند. در تاریخ حاکمیت ولایت نیز، چه در عصر پیامبران و چه در عصر امامان علیهم‌السلام و پس از آن، نمی‌توان موردی را یافت که امامت امت اسلام و رهبری نظام ولایتی به صورت شورایی بوده باشد. ابهت و عظمت مقام ولایت به این است که امام و رهبری یگانه با برخورداری از تمامی شرایط و اوصاف ولایت و زعامت، متصدی امر حکومت شود. حتی در شرایط و دورانی که دو یا چند امام معصوم حضور دارند، یک نفر از آنان امام و رهبر خواهد بود و بقیه در تمام شئون ولایتی از او پیروی می‌کنند. تاریخ اسلام و تشیع گواه این حقیقت است.

(۴)

نتیجه این که ولایت، مقامی نیست که از جانب مردم به فرد رهبر و امام واگذار شده باشد. مگر مردم خودشان این ولایت را از کجا به دست آورده‌اند که بتوانند به فرد خاصی واگذار کنند؟
ذات نیافته از هستی بخش
کی تواند که شود هستی بخش

با این وجود، مسئولیت مردم در ارتباط با رهبری امت بسیار خطیرتر از آن است که به ذهن خطور کند. مردم به مجتهدان عادلانی که به عنوان نمایندگان خبرگان برمی‌گزینند، به عنوان کارشناس اعتماد می‌کنند تا در اجتماع خبرگان با توجه به جایگاه رفیع رهبری در اسلام، کسی را که شایستگی لازم برای احراز مقام ولایت دارد، کشف و شناسایی و به مردم معرفی نمایند. بنابراین، حتی خبرگان رهبری مقام ولایت را به کسی به عنوان ولی فقیه اعطا نمی‌کنند، چه این که این مقام از شئون الهی و اعطای الهی است. خبرگان رهبری؛ ولایت ولی فقیه را در وجود یک فرد برجسته و ممتاز کشف می‌کنند، سپس او را به مردم معرفی می‌نمایند به بیانی که گذشت، مقام ولایت فقیه از نصب الهی گذشته است و هرگز انتخابی و شورایی و دوره‌ای نیست.
دوستان و یاران «فرهنگ پویا»، در این شماره و در آستانه انتخابات مجلس خبرگان رهبری، تلاش کرده‌اند ابعاد از مسایل مربوط به خبرگان رهبری را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. امید آن که مقبول نظر فرهیختگان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و «فرهنگ پویا» را با ارایه دیدگاه‌ها و پیشنهادها و انتقادات ارزشمند خود پویا و پویاتر سازند.